

Localization of Victimization Surveys: A Necessity for Unveiling the Dark Figure of Crime

1. Seyedeh Marziyeh Mormasomnejad: PhD Student, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran
2. Jan Ahmad Aghae*: Assistant Professor, Department of Law, Anzali Branch, Islamic Azad University, Anzali, Iran. Email: dr.ahmadaghaei1400@gmail.com (Corresponding Author)
3. Saeed Halimiha: Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Eyvanakey University, Semnan, Iran
4. Mojtaba Janipour: Associate Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Guilan University, Rasht, Iran

ABSTRACT

Victimization surveys are one of the methods to uncover the dark figure of crime. For crimes with identifiable victims, these surveys are conducted annually, or semi-annually for certain types of crime, as public surveys. Accurate crime statistics are essential for informed policymaking to prevent criminal behavior. However, these surveys have yet to be implemented in Iran, and crime prevention policies are primarily based on police and judicial statistics, which, for various reasons, fail to reflect the true criminal realities of society. On the other hand, adopting Western models of victimization surveys does not yield the desired data due to cultural differences in survey responses and varying social attitudes toward research projects. This paper aims to propose solutions for localizing victimization surveys to align with the cultural and religious factors prevalent in Iranian society. The research methodology is descriptive and analytical. Data collection is based on the experiences of leading countries in implementing such surveys and the researcher's own experiences in conducting victimization surveys. Localization of victimization surveys should respect the religious beliefs of the population, safeguard individual privacy, and take into account the cultural nuances of indirect communication and Eastern modesty. Surveyors must also receive proper training on how to approach members of society effectively.

Keywords: *victim-centered surveys, victimization surveys, localization, dark figure of crime, crime statistics.*

How to cite: Mormasomnejad, S. M., Aghae, J. A., Halimiha, S., & Janipour, M. (2025). Localization of Victimization Surveys: A Necessity for Unveiling the Dark Figure of Crime. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(4), 1-19.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 12 October 2024
Revise Date: 02 December 2024
Accept Date: 16 December 2024
Publish Date: 01 January 2026



بومی‌سازی پیمایش از بزه‌دیده: ضرورتی با هدف رسیدن به رقم سیاه جرائم

۱. سیده مرضیه میرمعصوم نژاد: دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

۲. جان احمد آقایی*: استادیار، گروه حقوق، واحد انزلی، دانشگاه آزاد اسلامی، انزلی، ایران. پست الکترونیک:

dr.ahmadaghaei1400@gmail.com (نویسنده مسئول)

۳. سعید حکیمیه: دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایوان کی، سمنان، ایران

۴. مجتبی جانی پور: دانشیار، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

چکیده

پیمایش از بزه‌دیده یکی از روش‌های دست‌یابی به رقم سیاه جرائم است. در جرائم با بزه‌دیده مشخص سالانه (و در خصوص برخی جرائم سالی دو بار) این پیمایش به صورت عمومی برگزار می‌گردد. سیاست‌گذاری صحیح برای پیشگیری از ارتکاب جرم با وجود نائل شدن به آمار درست به دست می‌آید. با این حال این پیمایش هنوز در ایران اجرا نمی‌شود و سیاست‌های پیشگیری از جرم براساس آمار پلیسی و قضایی صورت می‌گیرد که به دلایل مختلفی بازگوکننده واقعیت‌های مجرمانه جامعه نیست. از طرفی استفاده از الگوی غربی پایش از بزه‌دیده پژوهشگر را به داده‌های مورد نظر نمی‌رساند، زیرا روش پاسخگویی به پرسش‌نامه و برخورد افراد اجتماع با طرح‌های پژوهشی مورد اجرا متفاوت است. این نوشتار در صدد ارائه راهکارهایی جهت بومی‌سازی پیمایش از بزه‌دیده، موافق با فاکتورهای فرهنگی و مذهبی موجود در جامعه می‌باشد. روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از تجربه کشورهای پیشرو در اجرای این طرح و تجربه اجرای طرح پایش از بزه‌دیده توسط پژوهشگر به دست آمده است. به نظر می‌رسد بومی‌سازی این پیمایش باید با احترام به اعتقادات مذهبی مردم و رعایت حریم خصوصی و توجه به فرهنگ لفافه‌گویی و تواضع شرقی صورت گیرد و پرسشگران باید در خصوص چگونگی مراجعه به افراد جامعه آموزش‌های لازم را دیده باشند.

واژگان کلیدی: پیمایش بزه‌دیده‌محور، پیمایش از بزه‌دیده، بومی‌سازی، رقم سیاه جرائم، آمارجانی.

نحوه استناددهی: میرمعصوم نژاد، سیده مرضیه، آقایی، جان احمد، حکیمیه، سعید، و جانی پور، مجتبی. (۱۴۰۴). بومی‌سازی پیمایش از بزه‌دیده: ضرورتی با هدف رسیدن به رقم سیاه جرائم. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۴)، ۱۹-۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۱ مهر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۲ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۶ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۲ دی ۱۴۰۴

پژوهش‌ها حاکی از آن است که آمار رسمی جرائم که از طرف پلیس و سازمان‌های قضایی کشورها به دست می‌آید مانند کوه یخ می‌ماند، به این معنی که بیشتر جرائم به دلایل مختلفی از جمله ترس بزه‌دیده، بی‌اعتمادی به پلیس، هزینه بالای پیگیری شکایات کیفری و... گزارش نمی‌گردد. این در حالی است که برخی کشورها برای تعیین سیاست‌های خود جهت پیشگیری از جرائم و مبارزه با مجرمین و همچنین تعیین سیاست‌های کاهش جرم از آمار پلیسی و قضائی استفاده می‌کنند. طبیعتاً آمار نادرست باعث تعیین سیاست‌های نادرست می‌گردد و این امر یکی از عوامل اصلی شکست دست‌اندرکاران عدالت کیفری در مبارزه با جرائم می‌باشد. یکی از راه‌حل‌های اساسی برای از بین بردن شکاف میان آمار کیفری و آمار واقعی رویدادهای جنایی، برگزاری پیمایش‌های جنایی است. پیمایش‌های راجع به رویدادهای جنایی، بطور کلی در دو شاخه پیمایش‌های بزهکاری و بزه‌دیدگی قابل تقسیمند. در هر دو مورد، پژوهشگران یا مجریان پیمایش، بر پایه پرسش‌نامه‌ها یا سایر شیوه‌های کسب اطلاعات، به دنبال درک تجربه‌های جنایی جامعه نمونه خود به عنوان بزهکار یا بزه‌دیده یا شاهد یا آگاه از رویداد جنایی‌اند. با توجه به اینکه استفاده از الگوی غربی پیمایش از بزه‌دیده پژوهشگر را به داده‌های مورد نظر نمی‌رساند، زیرا روش پاسخگویی به پرسش‌نامه و برخورد افراد اجتماع با طرح‌های پژوهشی مورد اجرا متفاوت است، باید متدی بومی‌سازی شده ارائه گردد که خصوصاً با توجه به فرهنگ خودسانسوری شرقی و تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی موجود بتواند پژوهشگر را به کشف رقم صحیح جرائم مورد بررسی رهنمون کند. بنابراین برای اجرای طرح پیمایش از بزه‌دیده در ایران نیاز به تعیین فاکتورهای مناسب برای تهیه پرسشنامه و استفاده از پرسشگران متخصص و ارزیابی اجرای طرح‌های آزمایشی احساس می‌شود. با هدف ارائه روشی بومی‌سازی شده با استفاده از تجربه کشورهای مسلمان در اجرای این طرح و اجرای آزمایشی طرح در یکی از محله‌های شهرستان رشت این مقاله در صدد ارائه راهکارهایی جهت بومی‌سازی پایش از بزه‌دیده، موافق با فاکتورهای فرهنگی و مذهبی موجود در جامعه می‌باشد.

پیشینه تحقیق

پیمایش‌های اجتماعی دولتی برای اولین بار در بهار ۱۹۴۱ به عنوان "پیمایش اجتماع" آغاز به کار کرد. این پیمایش در واقع بخشی از گردآوری اطلاعات خانگی وزارت اطلاعات بریتانیا بود و شامل تعداد اندکی از محققان می‌شد^۱ و اکثر آن‌ها برای تحقیقات جدیدی در زمینه بازار استخدام شده بودند. این پیمایش‌های اولیه بر سوالات بهداشتی و اقتصادی همراه با نگرش عمومی متمرکز بود. در ابتدا ترسی وجود داشت که دولت سوالاتی به صورت عمومی در مورد زندگی مردم می‌پرسد. نگرشی که باعث ایجاد سوطن گردید، اما ثابت شد که این ترس‌ها بی‌اساس بوده است (United Nations, 2010).

در طول دهه ۶۰ کم‌کم جرم‌شناسان متوجه ایرادات و نقاط ضعف داده‌ها و منابع رسمی شدند و روش‌های جایگزینی را جستجو کردند که می‌توانست توصیف دقیق‌تر و حاوی اطلاعات مفیدتری از جرم فراهم آورد. اولین پیمایش از بزه‌دیده در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ انجام شد که برای دستیابی به رقم سیاه جرم طراحی شده بود. برای مثال جرم‌هایی که یا به پلیس گزارش نشده بود و یا ضبط نشده بود. این پیمایش‌ها در دهه ۱۹۷۰ با رشد نظریه فمینیسم قوت یافت و بعدها بزه‌دیده‌شناسی بر اهمیت نقش قربانی در بزه‌دیدگی و نامرئی بودن بزه‌دیدگان در آمار رسمی جرائمی مثل تعرض جنسی و خشونت خانگی تاکید کرد. در ابتدا پیمایش‌های بزه‌دیدگی اغلب در مقیاس

^۱ بخشی برای نظارت بر اخلاق مدنی در بریتانیا بوده است

کوچک و تجربی بودند. برای مثال در اوایل ۱۹۷۰ یک پیمایش در بریتانیا؛ تنها ۳ منطقه کوچک را در لندن پوشش داد (Sparks & Dodd, 1977).

سازمان ملل متحد در کتابچه راهنمایی تجربه کشورهای مختلف را در اجرای پایش‌های بزه‌دیدگی و چالش‌های آن مورد بررسی قرار داده است. در مقدمه کتاب می‌خوانیم: این دستورالعمل فعالیتهای اصلی در اجرای پروژه‌های پیمایش از بزه‌دیده را بیان می‌کند که شامل پرسشنامه، روش نمونه‌گیری، فعالیت‌های جمع‌آوری داده‌ها، پردازش داده‌ها و تجزیه و تحلیل است. اطلاعات ارائه شده در هر بخش؛ برای ارائه مراحل و ابزارهای اساسی مورد نیاز برای انجام هر قسمت از پروژه تحقیقاتی طراحی شده است (United Nations, 2010).

در بریتانیا، اولین پیمایش اجتماعی دولتی مربوط به جرم در اواخر ۱۹۷۲ به دنبال افزایش سریع و قابل توجه در بررسی‌های جرم‌شناسی در دهه گذشته رخ داد. با اینحال، تعدادی از کشورها شروع به کشف راه‌های جدید و بهتری برای اندازه‌گیری جرم از طریق مصاحبه با مردم نمودند. در سال ۱۹۷۰ (و دوباره در ۱۹۷۳) فنلاند احتمالاً اولین پیمایش از بزه‌دیده را با همکاری موسسه گالوپ فنلاند به عهده گرفت. در سال ۱۹۷۳ هلند نیز اولین پیمایش بزه‌دیدگی خود را از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۰ به عنوان یک بررسی طولانی از مرکز تحقیقات وزارت دادگستری و از ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵ به عنوان بررسی آماری جرائم سالانه‌ی ملی هلند راه‌اندازی نمود (Durant et al., 1972). احتمالاً مهم‌ترین و با نفوذترین نوآوری در پیمایش‌های بزه‌دیدگی، پیمایش ملی جرم در ایالات متحده در سال ۱۹۷۲ بود؛ این کار توسط مرکز تحقیقات نظری ملی و کمیسیون رئیس جمهوری آمریکا بر روی اجرای قانون مدیریت عدالت انجام شد و توسعه پیدا کرد (United Nations, 2010). هدف این کمیسیون بررسی ماهیت و علل جرم در ایالات متحده بود. همچنین ارائه سیاست‌های پیشنهادی برای پیشگیری از جرم نیز هدف این کمیسیون بوده است. توصیه کلیدی کمیسیون، اجرای پیمایش بزه‌دیدگی برای رسیدن به منابع آماری جرم بود. مطالعات مقدماتی در سال ۱۹۶۶ به طور قابل توجهی جرم‌های بیشتری را نسبت به آمارهای رسمی و پلیسی نشان داد. این مطالعات ثابت کرد که پیمایش‌های بزه‌دیدگی و خوداظهاری، روش مناسبی برای شناسایی بزه‌دیدگی‌هاییست که به پلیس گزارش نشده است.

در سال ۱۹۸۱، در انگلستان "پایش جرم بریتانیا" برای درک بهتر میزان بزه‌دیدگی در این کشور انجام گرفت. پس از آن اسکاتلند پایش خود را به عنوان ایرلند شمالی انجام داد. پیمایش‌های بیشتر در انگلستان و ولز در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۱ انجام گرفت. از آوریل ۲۰۰۱، این تحقیقات سالانه به صورت ثابت در انگلستان و ولز انجام می‌شود و اطلاعاتی در مورد روند بزه‌دیدگی و همچنین داده‌های دقیقی در مورد ماهیت این جرائم ارائه می‌دهد.

یافته‌های این تحقیقات که به طور گسترده‌ای در سراسر جهان انجام شده است، می‌تواند برای مطالعات تطبیقی بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد. با اینحال بزرگترین مشکل در مطالعات تطبیقی که همانا تفاوت‌های تعاریف جرم میان کشورها است؛ همچنان باقی مانده است. این امر ضرورت بومی‌سازی با توجه به کانتکس فرهنگی موجود را ضروری می‌سازد.

میرمعصوم‌نژاد در مقاله "محاسبه رقم سیاه جرم مزاحمت خیابانی برای بانوان در شهر مشهد با استفاده از روش پیمایش از بزه‌دیده" در شهر مشهد به محاسبه رقم سیاه جرم مزاحمت خیابانی برای بانوان موضوع ماده ۶۲۹ قانون مجازات اسلامی در سال ۹۴-۹۳ پرداخته است. وی در این مقاله چالش‌های موجود در اجرای طرح به دلیل تفاوت‌های فرهنگی را مورد توجه قرار داده و به لزوم بومی‌سازی این

پیمایش‌ها اشاره کرده است. ۸۸ درصد از زنان مورد مصاحبه در این بازه زمانی قربانی جرم مزاحمت خیابانی بوده‌اند (Mirma'soum-Nejad, 2016).

ضرورت رسیدن به رقم سیاه جرائم

یافتن رقم سیاه جرائم به دلایل گوناگونی ضروری می‌باشد:

۱. جرم‌شناسان معتقدند که برنامه‌های پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان تا به امروز با شکست مواجه شده است. آن‌ها یکی از دلایل این امر را در دست داشتن آمار نادرست می‌دانند (Kounani, 2020). برای مثال در پی یافتن رابطه بین فقر و سرقت پژوهشگران به زندان‌ها مراجعه می‌کنند و آماری از زندانیان محکوم به سرقت که وضعیت اقتصادی آن‌ها نامناسب است تهیه می‌نمایند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که بین فقر و سرقت رابطه معناداری وجود دارد و فقر یکی از علل اصلی سرقت به شمار می‌آید. دست‌اندرکاران عدالت کیفری از این پژوهش برای تعیین سیاست‌های آینده در پیشگیری از جرم سرقت استفاده می‌نمایند. با این حال فروض مختلفی مطرح است:

الف. ممکن است فقر دلیل اصلی زندانی شدن افراد باشد نه دلیل اصلی سرقتشان. مثلاً افراد با تمکن مالی قدرت این را داشته باشند که در مراحل مختلف دادرسی از مجازات فرار کنند یا اصلاً دستگیر نشوند.

ب. ممکن است که سرقت‌های کلان زیر مجموعه جرائم دیگری قرار بگیرد یا افرادی که دست به این عمل می‌زنند از نفوذ خود برای فرار از دست قانون استفاده نمایند.

ج. ممکن است سارقین حرفه‌ای که تمکن مالی نیز دارند به دلیل تبحر در کار؛ هم درآمد بالایی کسب کرده و فقیر نباشند و هم به خاطر دارا بودن تجربه دستگیر نشوند.

د. شیوه شمارش زندانیان (ورودی و روزانه) و معیارهای تعیین فقر ممکن است بر نتیجه تحقیق اثرگذار باشد.

بنابراین تعیین سیاست‌های پیشگیری براساس این آمار نتایج نادرستی به همراه خواهد داشت.

۲. آمارهای پلیسی و آمارهای قضایی معمولاً تحت تاثیر فرهنگ سازمانی موجود قرار دارند و در برخی موارد قابل اعتماد برای تهیه داده‌های علمی نیستند (United Nations, 2010). برای مثال برای تعیین آمار قتل در یک سال باید آمار رسمی پلیس و دستگاه قضائی رو مورد مطالعه قرار داد. دادگاه‌ها به دلیل فرهنگ سازمانی موجود تعداد بالای پرونده‌های مختومه را نشانه کارایی بالای دستگاه قضایی می‌دانند. از این رو تلاش برای ایجاد آمار بالاتر به عنوان یک ارزش در سازمان‌های مربوطه مورد تشویق قرار می‌گیرد. از طرفی نیروی پلیس هر منطقه تلاش می‌کند تا نشان دهد در منطقه تحت نظارت وی جرائم کمتری اتفاق می‌افتد. این نوع نگاه باعث می‌شود تا دستگاه پلیس تلاش کند آمار پایین‌تری در پایان سال ارائه دهد. همچنین بالا رفتن آمار یک جرم معمولاً با مواخذه مقام مافوق همراه است. بنابراین در مقایسه آمارهای پلیسی با آمارهای قضایی گاهی تضادهای به وجود می‌آید که رسیدن به رقم درست و قابل اعتماد برای انجام کارهای پژوهشی را دشوار می‌سازد (در واقع آمار به دست آمده شاخصی برای عملکرد سازمان‌های بیان شده است تا واقعیت‌های مجرمانه جامعه).

۳. به نظر می‌رسد داده‌های علمی نادرست باعث تعیین مجازات‌ها و سیاست‌های نادرست در خصوص رفتار با مجرمین می‌گردد. مثال بارز آن زمانی است که شما براساس آمار پلیسی موجود تعیین می‌کنید که خشونت علیه زنان در جامعه بیشتر در بیرون از خانه و

توسط افراد غریبه رخ می‌دهد. زیرا تعداد شکایات صورت گرفته در این خصوص بیش از تعداد شکایت در خصوص خشونت خانگی است. با توجه به این آمار قانونگذار تصمیم می‌گیرد که قانون تشدید مجازات افرادی که در معابر عمومی برای زنان و کودکان مزاحمت خیابانی ایجاد می‌کنند را تصویب کند. حال آن که خشونت خانگی به دلایل مختلفی از جمله حفظ آبرو، حفظ حریم خانواده، فرهنگ موجود برای دعوت بانوان به شکیبایی و تحمل خشونت، بزه‌کار بودن نزدیکان و اقوام، محافظت از فرزندان و... منتهی به شکایت کیفری نمی‌گردد. بنابراین اقدامات پلیس برای گشت‌زنی در کوچه‌های خلوت و روشن نگه داشتن معابر و تصویب قوانین در این خصوص با احتساب آمار اشتباه در خصوص خشونت علیه زنان صورت می‌گیرد و در عمل نیز باعث کاهش این جرم نمی‌گردد. بنابراین نیاز جامعه برای حفظ امنیت به نتیجه نمی‌رسد و از منظر اقشار جامعه پلیس و دستگاه قضایی همچنان ناکارآمد و غیر قابل اعتماد به نظر می‌رسند.

با توجه به همه دلایل بیان شده نیاز به دستیابی به رقم سیاه جرائم که از تفریق آمار واقعی با آمارهای رسمی به دست می‌آید (Hosseini & Mostafapour, 2017) ضروری به نظر می‌رسد. در این میان در کشور ما چنین اقدامی تا به حال صورت نگرفته است و سیاست‌های قضایی بر مبنای آمارهای رسمی و گاهی تصمیمات شتاب‌زده به دلیل رسانه‌ای شدن برخی پرونده‌های جنایی اخذ می‌گردد. این امر باید از طریق پیمایش‌های جنایی صورت گیرد که یکی از آن‌ها روش پیمایش از بزه‌دیده است. در دامه به بررسی این پیمایش پرداخته خواهد شد.

روش اجرای پیمایش از بزه‌دیده

پیمایش‌های بزه‌دیدگی یکی از مهم‌ترین ابزارها برای گردآوری اطلاعات در خصوص میزان جرائم و بزه‌دیدگی افراد در کشورها و شهرها است. در این روش معمولاً از روش خانه به خانه استفاده شده و از شهروندان در خصوص اینکه آیا در یک بازه زمانی مشخص بزه‌دیده جرمی بوده‌اند یا خیر سوال می‌شود (Javan Jafari, 2012).

در پیمایش‌های بزه‌دیدگی با توجه به بودجه در دسترس، طیف سوالاتی از این نوع می‌تواند پاسخ داده شود:

- چه مقدار جرم وجود دارد و ویژگی‌های آن چیست؟
 - ویژگی‌های قربانیان و عاملان جرم چیست؟
 - آیا میزان جرم در طول زمان تغییر کرده است؟
 - خطرات ناشی از بزه‌دیدگی این جرائم چیست؟
 - آیا برداشت مردم از سطح امنیت در طول زمان تغییر کرده است؟
 - چه مقدار جرم به مقامات گزارش شده است و اگر نشده چرا؟
 - آیا سیاست‌های پیشگیری از جرم مفید بوده است؟
 - آیا رابطه‌ای بین ترس از جرم و میزان جرم وجود دارد؟
 - گروه‌های آسیب‌پذیر در جامعه مانند مهاجران، افراد مسن یا کسانی که بیماری روانی دارند بر میزان جرائم تاثیرگذارند؟
- پیمایش بزه‌دیده‌محور، هم حوادث جنایی گزارش شده به پلیس و هم جرائمی که به پلیس گزارش نشده‌اند را دربر می‌گیرد. بطور تصادفی نمونه‌ای از جمعیت انتخاب شده و از آن‌ها می‌خواهند که بطور مستقیم در مورد تجارب خود از بزه‌دیدگی در جرایم توضیح دهند. همچنین پیمایش بزه‌دیده‌محور می‌تواند فقط به حوادث جنایی محدود نشده و شامل سوالاتی در مورد ترس و نگرش افراد نسبت به جرم و جنایت،

سیستم قضایی و ویژگیهای مختلف اجتماعی و جمعیت‌شناختی باشد که به ارزیابی جمعیت در معرض خطر کمک می‌کند (Walklate, 2005).

- روش نظرسنجی از طریق حضوری، تلفنی، پستی و اینترنتی می‌باشد. در ادامه به صورت خلاصه به توضیح این روش‌ها پرداخته خواهد شد:
- مصاحبه چهره‌به‌چهره^۱ مصاحبه حضوری هم نامیده می‌شود، که معمولاً در نظرسنجی مبتنی بر آدرس به کار می‌رود. در کشورها و یا مناطقی که در آن‌ها بسیاری از خانواده‌ها شماره تلفن ندارند، احتمالاً مصاحبه حضوری بهترین روش انتخابی برای تماس با پاسخ‌دهندگان می‌باشد. در بسیاری از کشورها که در آن‌ها پوشش تلفن بسیار بالا است، مصاحبه حضوری به دلیل هزینه‌های بالای سفر برای انجام مصاحبه ممکن است با مصاحبه تلفنی جایگزین شود. با این حال، پوشش تلفن همچنان مسائل خاص خود را دارد.
 - مصاحبه‌های تلفنی^۲ شیوه نظرسنجی محبوبی در کشورها و مناطقی است که در آن‌ها تلفن بطور گسترده رواج دارد. مصاحبه تلفنی ممکن است از منزل مصاحبه‌کنندگان یا مراکز تلفن طراحی شده به این منظور انجام شود. مصاحبه‌های تلفنی ممکن است گاهی به دلیل پایین‌تر بودن هزینه به عنوان جایگزین مصاحبه حضوری در نظر گرفته شوند. مصاحبه‌کنندگان می‌توانند چندین بار برای تماس با پاسخ‌دهندگان تلاش کنند بدون اینکه هزینه‌های اضافی برای مراجعات مکرر به منزل پاسخ‌دهنده پرداخت نمایند. مصاحبه تلفنی نسبت به مصاحبه حضوری می‌تواند در تنظیم زمان مصاحبه آسانتر و انعطاف‌پذیرتر عمل کند و اجازه دهد پرسشنامه در طول بیش از یک مصاحبه تکمیل شود. در کشورها یا مناطقی که جمعیت قابل توجهی از مردم تلفن ندارند، قالب نمونه‌گیری به روش مصاحبه تلفنی نماینده کل جمعیت نخواهد بود. چنین حالتی، منتج به نمونه‌ای می‌شود که با انحراف همراه است.
 - روش سوم مصاحبه‌های خوداجرا^۳ می‌باشد. پرسشنامه خوداجرا توسط خود پاسخ‌دهندگان به جای مصاحبه‌کننده پاسخ داده می‌شود. رایج‌ترین شکل پرسشنامه خوداجرا ارسال پرسشنامه خام توسط پست / دریافت پرسشنامه تکمیل شده توسط پست است. چنین نظرسنجی‌هایی معمولاً ارزان‌تر از مصاحبه‌های حضوری و تلفنی بوده، اما دارای اشکالاتی جدی می‌باشد. به طور کلی، این روش جهت استفاده در پیمایش بزه‌دیده‌محور جرائم توصیه نمی‌شود. پیمایش مبتنی بر اینترنت^۴ نوع دیگری از نظرسنجی خوداجرا است. این روش می‌تواند نسخه اینترنتی ساده‌ای از پرسشنامه ایمیلی باشد یا پرسشنامه‌ای ساختارمند و کنترل‌شده باشد که در مصاحبه حضوری از آن استفاده می‌شود. در این حالت دریافت‌کنندگان پرسشنامه پستی به جای دریافت نسخه پستی پرسشنامه به نسخه آنلاین دسترسی خواهند داشت (پاسخ‌دهندگان می‌توانند با کد دسترسی منحصر به فرد برای ورود به نظرسنجی اینترنتی در ایمیل خود اقدام کنند).
 - در نهایت در برخی از پیمایش‌ها از پرسشنامه‌های مبتنی بر اینترنت^۵ استفاده می‌شود. این روش با استفاده از پرسشنامه‌هایی اجرا می‌شوند که پاسخ‌دهندگان می‌توانند با مراجعه به یک وب‌سایت به آن دسترسی داشته باشند. دسترسی به اینترنت به اندازه کافی در همه کشورها رواج پیدا نکرده بنابراین، پرسشنامه مبتنی بر اینترنت بعنوان به صورت ترکیبی و مکمل در کنار سایر روش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. پرسشنامه‌های مبتنی بر اینترنت به ویژه زمانی می‌تواند مفید واقع شود که به بررسی گروه‌های هدف خاص

¹ Face-to-face interviews

² Telephone interviews

³ Self administered interviews

⁴ Internet based surveys

⁵ Internet based questionnaires

پردازد. این روش بر حریم خصوصی مخاطب تاکید دارد، در واقع هیچ تعامل مستقیمی بین مصاحبه‌کننده و پاسخ‌دهنده وجود ندارد. بنابراین مخاطبان ممکن است احساس راحتی بیشتری برای ارائه اطلاعات حساس داشته باشند (Walklate, 2005). در اکثر پیمایش‌های بزه‌دیده‌محور، تجربه بزه‌دیدگی در دو مرحله نشان داده می‌شود، مرحله اول با استفاده از سوالات غربالگر که حوادث را توصیف می‌کند تا مشخص شود کدامیک از پاسخ‌دهندگان بزه‌دیده‌اند. مرحله دوم محدود به کسانی می‌شود که بزه‌دیده‌اند و شامل تمام سوالات هدف‌مند جهت کسب اطلاعات جزئی حادثه می‌باشد (Killias, 2010). بطور کلی، سوالات مربوط به هر نوع جرم که تحت پوشش برنامه پیمایش قرار دارد به ترتیب پرسیده می‌شود. بنابراین، از پاسخ‌دهندگانی که بیش از یک نوع جرم را تجربه نموده‌اند به ترتیب سوال خواهد شد که چند بار و در اثر چند نوع جرم بزه‌دیده شده‌اند؟

پیمایش‌های بزه‌دیدگی می‌تواند اطلاعاتی وسیعی را از ویژگیهای اجتماعی و جمعیتی مخاطب به منظور تجزیه و تحلیل خطرات بالقوه و عوامل حفاظتی مرتبط با بزه‌دیده جمع‌آوری نماید. این اطلاعات ممکن است شامل موارد: سن، پیشرفت تحصیلی، فعالیت اصلی، وضعیت مسکن، محل تولد، وضعیت مهاجرت، قومیت، مذهب، درآمد و گرایش جنسی باشد. در برخی کشورها، موضوعاتی مانند قومیت ممکن است حساس باشد، بنابراین در پیمایش‌ها مورد پرسش واقع نمی‌شود (United Nations, 2000).

تعاریف پیمایش بزه‌دیده‌محور ممکن است حاوی عبارات ساده بوده و به وضوح برای پاسخ‌دهندگان تمام ویژگیهای حوادثی که برای آنها رخ داده را توضیح دهد. عباراتی از این دست "آیا (در دوره زمانی معین) کسی از شما دزدی کرده؟، آیا به زور مجبور به انجام کاری شده اید؟ یا آیا مورد تهدید قرار گرفته‌اید؟". مهم این نیست که آیا پاسخ‌دهندگان از جرم و جنایت خاصی بزه‌دیده‌اند یا خیر، بلکه مهم این است که فارغ از اصطلاحات حقوقی چگونه حوادث توصیف شده در پرسشنامه برای آنها اتفاق افتاده‌اند. مطمئناً توصیف روشن‌تر موقعیت‌ها به احتمال زیاد منجر به درک مشترک پاسخ‌دهندگان صرف‌نظر از سن، تحصیلات، تجربه و پیشینه فرهنگی آنها می‌گردد (Piper & Lucas, 1997).

سایر سوالات ممکن است در خصوص محلی که حادثه در آن رخ داده، رفتارهایی که مجرم انجام داده و آشنا یا غریبه بودن مجرم باشد. بعنوان مثال، (در طول دوره مورد نظر) آیا فردی که به خوبی می‌شناسید از عمد با مشت یا با یک سلاح به شما ضربه‌ای زده؟ (ضربه با لگد یا هر طور دیگر، با زور و خشونت یا به هر طریق دیگر).

اساسی‌ترین بخش پرسشنامه پیمایش از بزه‌دیده؛ به موضوع گزارش‌دهی به پلیس می‌پردازد. این بخش از پرسشنامه حیاتی بوده زیرا مشخص می‌کند که آیا حادثه گزارش شده در پیمایش؛ در واقع به مسئولین صلاحیت‌دار نیز بعنوان جرم گزارش شده است یا خیر. در اکثر موارد، بزه‌دیدگان در مورد گزارش دادن یا عدم گزارش جرم به پلیس تصمیم‌گیری می‌کنند. این تصمیم از طریق چند مرحله صورت می‌گیرد که به شرح زیر است:

الف) تصور این که آیا عمل مرتکب واقعا جرم بود!

ب) تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا به پلیس گزارش کند یا نه!

ج) داشتن انگیزه برای گزارش به پلیس

د) حفظ گزارش اخذ شده و شنیده شده توسط پلیس (AU-MIDIS, 2009).

بسته به هدف پیمایش در این بخش، پرسشنامه ممکن است با دقت کم و بیشی متمایل به کشف این روند باشد. در اکثر پیمایش‌ها به تجزیه و تحلیل دلایل گزارش‌دهی یا عدم گزارش به پلیس می‌پردازند. علاوه بر این ممکن است از قربانیان پرسیده شود که آیا از نحوه برخورد پلیس با گزارش جرم و کمک‌های دریافت شده راضی هستند یا خیر.

سوالات در مورد جرایم باید حداقل شامل موارد زیر می‌باشد:

- ✓ استفاده از دوره‌های زمانی مشخص (به عنوان مثال، سال گذشته)
- ✓ گنجاندن عناصر اصلی جرائم شرح داده شده (به عنوان مثال، برای جرم حمله: "شخصاً مورد حمله و تهدید قرار گرفته‌اید؟" "به شیوه‌ای که واقعا وحشت‌زده شده‌اید" "در خانه یا جای دیگر")

- ✓ مدیریت شمارش حوادث در شیوه‌ای سازگار (برای مثال، اگر مخاطبی بیش از یک بار بزه‌دیده از جرم خاصی در دوره زمانی تعیین شده باشد، در پاسخ به پرسشنامه باید اطمینان حاصل شود که تعداد حوادث به دقت ثبت شده اما جزئیات جرم ثبت شده با اشاره به آخرین رویداد^۱ و یا جدی‌ترین رویداد^۲ به دست آمده باشد)

بعد از طی همه مراحل ذکر شده پرسشنامه‌ها در اختیار افراد قرار می‌گیرد. در ابتدای هر سوال پرسیده می‌شود که آیا در یک سال یا شش ماه گذشته (یا بازه زمانی مورد نظر پژوهش) قربانی این جرم بوده‌اید؟ در برخی موارد نیز که جرائم ماهیت ساده‌ای ندارند از افراد پرسیده می‌شود که آیا این اتفاق (تعریف ساده جرم) برای آن‌ها افتاده است؟ و مصادیق آن جرم به صورت ساده ذکر می‌گردد. اگر پاسخ به این بخش از سوال مثبت باشد (سوالات غربالگر) فرد باید به بخش دوم سوال پاسخ دهد؛ در غیر اینصورت (یعنی در حالتی که شخص بزه‌دیده نبوده) دیگر نیازی به ادامه پاسخگویی نیست (البته به سوالات عمومی پاسخ خواهد داد). در بخش دوم سوال از شخص پرسیده می‌شود که آیا جرم را به پلیس گزارش کرده است؟ پاسخ سوال به صورت دو گزینه بله و خیر می‌باشد. در صورتی که پاسخ سوال مثبت باشد نیازی به پاسخگویی به ادامه این سوال نیست. اما اگر پاسخ منفی باشد شخص ملزم به ادامه پاسخگویی است. در بخش سوم پرسیده می‌شود که علت عدم گزارش به پلیس چه می‌باشد؟ عوامل گوناگونی ذکر می‌شود و شخص می‌بایست موارد مورد نظر خود را علامت بزند یا ذکر نماید. پاسخ به بخش سوم سوال راهگشای دست‌اندرکاران عدالت کیفری برای درک علت بی‌اعتمادی مردم برای مراجعه به دستگاه قضایی و پلیس خواهد بود. در سطح فردی، دلایل متعددی برای عدم گزارش به پلیس شناسایی شده است. ویژگیهای بزه‌دیده، ترس از انتقام مجرم و همچنین موانع رویه معمول بین بزه‌دیده و پلیس (فاصله تا پاسگاه پلیس، مشکلات مربوط به زبان، عدم تمایل بزه‌دیدگان برای نزدیک شدن به پلیس و در برخی موارد مجرم بودن خود پلیس) می‌تواند مانع گزارش جرم شود. علاوه بر این، به ویژه برای جرایم خشونت آمیز و جنسی، بزه‌دیدگان ممکن است احساس شرمندگی داشته باشند و یا از اینکه توسط پلیس سرزنش شوند یا مورد افترا قرار گیرند بترسند. در برخی کشورها، وجود مکانیزم‌های جایگزین برای حل اختلاف، مانند شوراهای حل اختلاف، می‌تواند بزه‌دیدگان را از مراجعه رسمی به پلیس بازگرداند.

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها داده‌های پژوهش عبارتند از:

۱. آمار واقعی جرم مورد بررسی؛ از پاسخ افراد به سوال اول به دست می‌آید. بنابراین اگر از صد نفر پرسش‌شونده که نماینده کل افراد جامعه مورد بررسی هستند شصت نفر بزه‌دیده این جرم قرار گرفته باشند، آمار واقعی جرم ۶۰٪ خواهد بود که براساس جنسیت، سن، سطح تحصیلات و هر فاکتوری که در پرسش‌نامه ذکر شده است قابل تفکیک می‌باشد.

¹ the last event

² the most serious event

۲. از تحلیل سوال دوم رقم سیاه جرم مزبور به دست می‌آید. به این ترتیب که از تفریق آمار واقعی از آمار پلیسی به دست آمده می‌توان دریافت که چه تعدادی از افراد بزه‌دیدگی خود را گزارش نمی‌دهند. علاوه بر این از مقایسه آمار پلیسی به دست آمده با آمار پلیسی رسمی می‌توان به این نکته دست یافت که تا چه اندازه آمار رسمی به واقعیت آمار پلیسی نزدیک است. در واقع مشخص می‌شود که آمار رسمی نشان‌دهنده بیان کار پلیس و بر طبق فرهنگ سازمانی آن‌هاست و یا بر طبق گزارشات و شکایات صورت گرفته.

۳. از پاسخ به سوال سوم داده‌های مربوط به دلایل عدم مراجعه افراد جامعه به دستگاه قضایی و پلیس به دست می‌آید که می‌تواند ناشی از بی‌اهمیت بودن جرم برای شخص، بی‌اعتمادی به پلیس، هزینه‌بردار بودن شکایت و یا عرف موجود در جامعه باشد. شهروندانی که تجربه بزه‌دیدگی دارند، ممکن است تصویری متفاوت از پلیس در ذهن خود نسبت به دیگر شهروندان داشته باشند. بزه‌دیدگان یا شاهدان جرم ممکن است برای کمک به پلیس زنگ بزنند. در برخی از پیمایش‌ها سولاتی در مورد کیفیت خدمات ارائه شده توسط شماره اضطراری و یا زمان پاسخ دهی پرسیده می‌شود، بعنوان مثال: "پلیس در چه مدت زمانی به تماس اضطراری شما واکنش نشان داده است؟". البته اکثر پیمایش‌ها از بزه‌دیدگان سوال می‌کنند که آیا جرم را به پلیس گزارش داده‌اند یا خیر. این موضوع برای درک تفاوت بین آمار پلیسی و آمار پیمایش‌های بزه‌دیده‌محور ضرورت دارد. همچنین می‌تواند نشانه‌ای از ارتباط بین پلیس و مردم باشد. دلایل بسیاری وجود دارند که مردم حوادث را به پلیس گزارش نمی‌دهند و برخی از آن‌ها ممکن است نشان‌دهنده ضعف پلیس و یا عدم اعتماد به پلیس نباشد. در بسیاری از موارد، جنایات گزارش نشده باقی می‌مانند، زیرا بزه‌دیدگان احساس می‌کنند که پلیس به اندازه کافی اقدامات جدی بعمل نمی‌آورد، یا می‌توانند با حوادث پیش آمده به شیوه‌های دیگر برخورد کنند. مهم است که در پیمایش‌ها به شناسایی طیف وسیعی از دلایلی بپردازیم که باعث می‌شود برخی جرائم هرگز به پلیس گزارش نشوند.

براساس مجموع اطلاعات به دست آمده دست‌اندرکاران عدالت کیفری می‌توانند اقدامات ذیل را انجام دهند:

الف. با به دست آمدن آمار واقعی جرم می‌توان اقدامات پیشگیرانه را در این خصوص آغاز کرد. برای مثال اگر رقم سیاه جرم سرقت ۳۰٪ نسبت به سال گذشته افزایش یابد این امر را می‌توان با آموزش به شهروندان برای مراقبت از اموال شخصی، روشن کردن معابر، افزایش گشت پلیس، نصب دوربین‌های امنیتی و تغییر در نحوه مجازات سارقین کنترل و تعدیل کرد.

ب. یافته‌های مبنی بر عدم مراجعه افراد به پلیس نشان‌دهنده نوع نگاه افراد به دستگاه قضایی و همچنین تاثیرپذیری افراد از عرف موجود در جامعه است. با وجود این اطلاعات، پلیس می‌تواند دلایل بی‌اعتمادی مردم را شناسایی و درصدد رفع آن قدم بردارد. این کار می‌تواند با تبلیغات رسانه‌ای، آموزش نیروهای پلیس و ایجاد تعامل میان پلیس و بدنه اجتماع به وقوع بپیوندد. دست‌اندرکاران عدالت کیفری می‌توانند با تهیه بروشورها و راهنمایی‌های اولیه هزینه شکایات را پایین بیاورند، در پیگیری شکایت تلفنی جدی‌تر عمل کنند و در محل ورود ایستگاه‌های پلیس شخصی را برای راهنمایی افراد قرار دهند. دلیل این امر این است که اگرچه نیروهای پلیس همه روزه با شکایات فراوان و جرائم مختلف روبرو هستند با این حال بزه‌دیده برای بار اول تلخی ناشی از جرم را تجربه می‌کند و در این مسیر قرار می‌گیرد و شوک ناشی از قربانی جرم شدن کافیهست تا او در حالت ناآرامی و استرس نتواند مراحل طرح شکایت را به درستی طی کند. در مصاحبه کیفی به عمل آمده با یکی از بزه‌دیدگانی که فرزندش در تصادف رانندگی به قتل رسیده بود و چندین سال به دنبال دریافت دیه وی به پیگیری قضایی پرداخته بود مشخص شد که یکی از بزرگترین دغدغه‌های بزه‌دیده در طی این مسیر یافتن آدرس‌ها به خصوص در شهر تهران بوده است. امری که به راحتی با تهیه

چند بروشور قابل حل می‌باشد. همچنین می‌توان دلایل فرهنگی موجود که باعث عدم پیگیری شکایت توسط بزه‌دیدگان می‌شود را شناسایی کرده و دست به فرهنگ‌سازی هدفمند در این زمینه زد. برای مثال ترس از آبرو جزء مواردی است که بسیاری از بزه‌دیدگان را از گزارش جرم بازمی‌دارد. این در حالی است که در بستر فرهنگی موجود بزه‌دیده و بزه‌کار، قربانی و مجرم، شاکی و متشاکی همه در مظان بی‌آبرویی قرار دارند و جامعه به چشم مقصر به آن‌ها می‌نگرد. در واقع صرف مراجعه به پلیس به هر عنوان می‌تواند باعث انگ‌زنی شود. در چنین شرایطی هر مقدار که اعتماد به پلیس در جامعه وجود داشته باشد باز هم سیستم برای مراجعه مردم دچار مشکل خواهد بود. این امر خصوصاً در جرائم جنسی تبلور بیشتری دارد.

الف. بومی‌سازی پیمایش از بزه‌دیده

پژوهش‌ها نشان می‌دهند فرهنگ ایرانی نسبت به فرهنگ غربی دارای ویژگی‌های: غیرمستقیم، ارتباطی، چندوجهی، بافت‌محور، تواضعی و استقرایی می‌باشد. این ویژگی‌ها باعث می‌شود استفاده از برخی ابزار پژوهشی مانند پرسشنامه، بلند بلند فکر کردن در حین انجام فعالیت، حل مسئله و دفترچه خاطرات در بافت فرهنگی ایران مناسب به نظر نرسند و از اعتبار و روایی کافی برخوردار نباشند (Pishqadam, 2014). از آنجا که بسیاری از روش‌های پژوهشی و گردآوری داده (پرسشنامه، تحلیل پروتکل و دفترچه خاطرات) در دنیای غرب متداول بوده و در ایران نیز استفاده می‌شوند، به نظر می‌رسد این روش‌ها با ماهیت فرهنگی دنیای غرب همخوانی و همپوشی بیشتری دارند و برخی از این روش‌های گردآوری داده در ایران به شکل کنونی مناسب نیستند و باید یا بومی شوند یا از روش‌های جدیدی استفاده شود که با فرهنگ ایرانی همخوانی بیشتری داشته باشد.

فرهنگ ارتباطی، عاطفی و جمع‌گرای ایرانی با ماهیت برخی از روش‌های پژوهش مورد استفاده پژوهشگران ایرانی همسویی ندارد و نتایج این روش‌ها ممکن است روایی مطلوب و ارزش علمی لازم را نداشته باشد.

روح جمع‌گرایی شرقی، افراد را وابسته به بافت و روح فردگرایی غربی افراد را مستقل از بافت می‌نماید. در افراد وابسته به بافت، توجه به بافت کلی و محیطی زیاد است، درحالی‌که در افراد مستقل از بافت، توجه به جزئیات و ظرایف بیشتر است.

بر این مبنا و از نگاه هال^۱ (۱۹۷۶)، می‌توان شرقیها را در گروه جوامع دارای بافت غنی و غربیها را در گروه جوامع دارای بافت ضعیف طبقه بندی کرد. در کشورهای بافت غنی که ایران نیز شامل آن است، از افراد انتظار می‌رود کمتر صحبت کنند و هدف و غرض افراد، بیشتر از بافت و محیط پیرامون درک می‌شود. معمولاً در این جوامع، احترام و ادب زیاد باعث می‌شود رک‌گویی و مستقیم صحبت کردن کمتر باشد، درحالی که در فرهنگ‌هایی با بافت ضعیف، افراد بیشتر سخن می‌گویند و حرف خود را مستقیم و بی‌پرده بیان می‌کنند. کاپلان^۲ (۱۹۶۶) اعتقاد دارد در زبان انگلیسی شیوه اندیشیدن، خطی و مستقیم و در زبانی مانند فارسی غیرخطی و غیرمستقیم است (Pishqadam, 2014).

از دیگر تفاوت‌های مهم در تفکر شرقی و غربی این است که شرقیها (کره‌ای‌ها، چینی‌ها و ژاپنی‌ها) به ویژه، ایرانی‌ها تمایل زیادی به بررسی چندجانبه موضوعات دارند و می‌کوشند هر موضوعی را در بافت مربوط تحلیل نمایند. به عنوان نمونه، اگر کسی سالها کار خود را درست انجام داده باشد، یکبار که کار خطایی انجام دهد، به دلیل سنوات قبلی به دیده اغماض با او برخورد می‌شود، در حالی که غربی‌ها تمایل دارند به خود اصل ماجرا بپردازند و به بافت توجهی نکنند. درحقیقت، شرقی‌ها سعی می‌کنند هر چیزی را به چیز دیگر مربوط نموده و دنیا را براساس روابط میان آن‌ها معنی کنند و غربی‌ها ترجیح می‌دهند مسائل را به شکل مجزا بررسی نمایند (Norenzayan & Peng, 2007).

¹ hall

² kaplan

با وجود موارد ذکر شده از آنجاییکه پیمایش‌های بزه‌دیدگی از طریق پرسشنامه و تعامل پژوهشگر با افراد انجام می‌شود، صرف ترجمه فرم‌های هر چند استاندارد که در کشورهای غربی برای اجرای این پیمایش مورد استفاده قرار گرفته اند؛ نمی‌تواند در فرهنگ شرقی پژوهشگر را به نتایج درست برساند.

اگر چه این پیمایش با توجه به اهدافی که ذکر شد باعث دستیابی به اطلاعات باارزشی در حوزه آمار جنایی و جرم‌شناسی می‌گردد با این حال اجرای درست آن احتیاج به درک بسترهای موجود در کشور، اعتقادات مردم، امکانات در دسترس و شرایط اجرای آن دارد. بنابراین صرف کپی‌برداری از پرسش‌نامه‌ها و روش تحقیق و نحوه ارسال و نتیجه‌گیری نمی‌تواند نتایج مورد نظر را به ارمغان آورد. در اجرای طرح "crime victim survey" توسط پژوهشگر در شهر مشهد در مقیاس کوچک برای جرم مزاحمت خیابانی بانوان نتایج قابل بررسی‌ای از نحوه بومی‌سازی این پژوهش بر مبنای شرایط موجود به دست آمد که در ادامه بررسی خواهد شد.

بیان این نکته حائز اهمیت است که منظور از بومی‌سازی این پیمایش به معنای دگرگون کردن متد کار نیست و باید در این زمینه از افراط و تفریط دوری جست، بلکه هدف؛ بومی‌سازی پیمایش از بزه‌دیده براساس مقتضیات جامعه، هنجارها، رفتارها و انطباق آن با نیاز فرهنگی روز جامعه و پیشگیری از کپی‌برداری از الگوها بدون در نظر گرفتن شرایط موجود می‌باشد. زیرا در غیر این صورت داده‌های به دست آمده از پژوهش قابل استناد نخواهد بود و جامعه با ناهنجاری‌های ناشی از این الگوبرداری مواجه خواهد شد.

از این رهگذر اولین قدم درک تفاوت‌های فرهنگی است. در جریان انجام تحقیق ممکن است بسیاری از افراد از پرسشنامه خودداری کنند. علت رفتار آن‌ها می‌تواند ترس از آبرو، ترس از پلیس بودن پرسشگر، دستور کارفرما مبنی بر عدم همکاری با پژوهشگران و... باشد. در جریان اجرای پیمایش از بزه‌دیده برخی از بانوان در جواب این سوال که در یک سال گذشته مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفته‌اند یا خیر؛ با شماتت خود و پرسشگر اظهار می‌داشتند که پرسیدن این سوال در این سن از آن‌ها کار درستی نیست. همچنین برخی از کسبه از پرسش کردن فرم‌ها خودداری می‌کردند و پرسشگر را مامور پلیس یا اماکن یا بهداشت می‌خواندند. این امر در حالی بود که حاضر به مطالعه اولیه پرسشنامه نبودند. در این شرایط بیشتر کسانی که تمایل به پرسش کردن پرسشنامه داشتند افراد برون‌گرا و زنانی بودند که مشارکت اجتماعی نسبتاً بالایی داشتند و همین امر بر نتایج تحقیق اثرگذار بوده است. زیرا آمار درستی از زنان خانه‌دار و زنانی که باورهای سنتی داشتند به دست نیامد. ممکن است در صورت مشارکت این افراد رقم سیاه جرائم کاهش می‌یافت. زیرا این افراد کمتر در مجامع عمومی حاضر می‌شوند و ممکن است کمتر در معرض مزاحمت‌های خیابانی قرار گیرند (Mirma'soum-Nejad, 2016).

با توجه به شرایط و برای حل مشکل موجود، اولین اقدام اعلام رسمی این پیمایش در رسانه‌ها و اجرای آن توسط پژوهشگران رسمی یا ارسال بسته‌های پستی است. اگرچه در اکثر کشورهایی که سالانه این پژوهش را برگزار می‌کنند ارسال پرسشنامه توسط اینترنت و ایمیل افراد صورت می‌گیرد ولی در ایران به دلیل این که امکان دسترسی به اینترنت برای همه اقشار وجود ندارد استفاده از این روش منتفی است. در صورتی که فاش نشدن اطلاعات افراد به آن‌ها گوشزد شود و مصاحبه‌شوندگان بدانند که جایگاه قربانی در جامعه با جایگاه مجرم متفاوت است، و اینکه پرسش کردن پرسشنامه عواقبی برای آن‌ها در بر نداشته و با هدف علمی صورت می‌گیرد، آن‌ها با اطمینان بیشتری در اجرای طرح همکاری خواهند نمود. مهم این است که به پاسخ‌دهندگان اطمینان داده شود که مشارکت در پیمایش هیچ نوع تهدیدی برای آن‌ها محسوب نمی‌شود و اطلاعات ارائه شده محرمانه باقی خواهد ماند و فقط برای اهداف آماری مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

نکته دوم توجه به حفظ حریم خصوصی افراد است. در فرهنگ‌های مختلف حریم خصوصی به صور گوناگونی تعریف می‌شود. شاید نواختن در خانه‌ها توسط یک مرد پرسشگر در فرهنگی خاص نوعی احساس ناامنی را در شخص به وجود آورد یا تعرض به حریم شخصی محسوب شود. این امر ممکن است مصاحبه‌شونده را در پاسخ‌دهی درست معذب سازد. همچنین ارسال بسته‌های پستی با آرم نیروی انتظامی و یا سازمان‌هایی که باعث می‌شود افراد دچار خودسانسوری شوند پژوهش را از هدف اصلی خود دور می‌سازد. باید توجه کرد که حتی اگر سازمان متولی انجام پژوهش یکی از موارد مذکور باشد باز هم نباید آرم آن بر روی بسته‌های پستی و سربرگ پرسش‌نامه‌ها درج شود.

نکته دیگر توجه به اعتقادات مذهبی جامعه است. پرسیدن پرسش‌هایی که عفت عمومی را خدشه‌دار می‌کند ممکن است باعث شود که افراد بزه‌دیدگی خود را پنهان کنند. می‌توان از واژه‌هایی در پرسش‌نامه استفاده کرد که مطابق با فرهنگ موجود باشد. برای مثال به جای استفاده از اصطلاح "جرائم جنسی" از اصطلاح "اعمال خلاف شئون" استفاده گردد، یا به جای استفاده از "پیشنهاد رابطه جنسی" در معابر از اصطلاح "تقاضای اعمال منافی عفت" بهره برد.

برای مصاحبه‌شوندگان زن و کودک از بانوان پرسشگر و برای مصاحبه‌شوندگان مرد از پرسشگران مرد استفاده شود. تحقیقات نشان می‌دهد به خصوص در پیمایش‌هایی با موضوعات حساس مثل "خشونت جنسی" زنان مصاحبه‌گر بیشتر می‌توانند باعث ایجاد حس اطمینان در پاسخ‌دهنده شوند. البته در کشورهایی که تبعیض جنسیتی برجسته‌تر است می‌توان برای جلوگیری از ایجاد مزاحمت یا جدی نگرفتن مصاحبه-کننده زن، از یک همراه مرد در کنار او استفاده کرد.

شرایط پرسشنامه و هدف آن برای کسبه توضیح داده شود. توجه شود که در متن پرسش‌نامه به مبانی اعتقادی افراد مثل میزان مشخص حدود اسلامی، شخصیت‌های مورد اعتماد دینی و مانند اینها توهین نگردد.

پرسش‌گران باید آموزش‌های لازم را در خصوص منطقه مورد پژوهش دریافت کنند. آن‌ها باید بیاموزند که از ابراز نظر شخصی خود خصوصاً در مورد مسائل سیاسی و مذهبی خودداری کنند. در هنگام پرسیدن پرسشنامه حتی‌الامکان از افراد فاصله و به سمت دیگری بنگرند تا مصاحبه‌شونده بتواند با اطمینان به سوالات پاسخ دهد. ورود به حریم منزل و منتظر ایستادن در حیاط یا راهرو باید با اجازه صاحب‌خانه و رعایت شئون صورت گیرد.

پژوهش‌های میان-فرهنگی انجام شده در شرق دور حکایت از تفاوت‌های عمده در نحوه تفکر افراد در دنیای شرق و غرب دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که شرقی‌ها براساس تعالیم مذهبی بیشتر جمع‌گرا^۱ بوده و ارتباط بین آن‌ها بسیار ارزشمند است. در حالی که غربی‌ها بیشتر فردگرا^۲ بوده و ارضای خواهش‌های شخصی در آن‌ها از اولویت برخوردار است. در افراد وابسته به بافت، توجه به بافت کلی و محیطی زیاد است در حالی که در افراد مستقل از بافت، توجه به جزئیات و وظایف بیشتر است (پیش‌قدم، ۱۳۹۳، ۵۷). بر این اساس در اجرای پیمایش‌های بزه‌دیدگی پرسش در خصوص دلایل عدم مراجعه به پلیس در کشورهای جمع‌گرا باید بیشتر حاوی موارد اعتبار جمعی مثل آبرو، حمایت از ناموس و خانواده و مانند این‌ها باشد در حالی که این دلایل در کشورهای فردگرا باید مبتنی بر دلایلی چون احساسات شخصی، ترس از بزهکار، هزینه بالای پیگیری شکایت کیفری و... باشد. همچنین تاثیر افکار عمومی بر پذیرش و همکاری در اجرای پیمایش توسط مردم را نباید نادیده گرفت.

^۱ Pluralist

^۲ Individualist

یکی دیگر از موارد؛ نگاه کلی شرقی‌ها به مسائل است. افراد در این جوامع می‌کوشند تا در هر مسئله‌ای کلیت امر را در نظر بگیرند. مثلاً برای استخدام ششخص سوابق او را بررسی کنند، در حالی که غربی‌ها تمایل دارند به مسائل به صورت جزئی بنگرند. مثلاً در استخدام فرد بیشتر به تخصص او در زمان حال اهمیت می‌دهند تا سوابق کاری و خانوادگی او در گذشته (Norenzayan & Peng, 2007). با توجه به این تئوری باید انتخاب پرسشگران و توضیح اهداف پیمایش به بدنه‌های اجتماع مانند جوانان محله و اعضای پایگاه‌های اجتماعی مثل مساجد، تشکل‌ها و... سپرده شود. این امر باعث می‌شود تا پرسش‌شونده با اطمینان و بدون خودسانسوری به سوالات پاسخ دهد. زیرا پرسشگر را می‌شناسد و به او اعتماد نسبی دارد.

یکی دیگر از تفاوت‌های عمده در نگاه شرق و غرب فرهنگ تواضع و "مایی" شرقی و ایرانی در مقابل فرهنگ خودافشایی و "منی" غربی است. ایرانیان معمولاً به تواضع و فروتنی اهمیت زیادی می‌دهند و علاقه زیادی برای خودافشایی موفقیت‌های مالی یا کاری ندارند. در حالی که غربی‌ها معمولاً به خودافشایی شخصی اهمیت زیادی می‌دهند و مشکلی در بیان تفکرات و موفقیت‌های خود نمی‌بینند (Pishqadam, 2014). بررسی این نظریه اهمیت بالایی چگونگی طرح پرسش‌ها و برخورد پرسشگر را آشکار می‌نماید. در این خصوص دو بحث قابل طرح است.

اول اینکه برای رضایت پرسش‌شونده در پاسخ‌گویی درست به سوالات چه اقدامی باید انجام داد تا این امر با روحیه عدم افشای موجود در تعارض نباشد؟ به نظر می‌رسد اقدام مهم اطمینان دادن به پرسش‌شونده مبنی بر حفظ حریم خصوصی اوست. خصوصاً در مورد جرائم جنسی و جرائمی که بزه‌دیده در آن نقش موثر یا همراه با تقصیر دارد (بزه‌دیده مقصر).

دوم اینکه شخص در صورت پاسخ مثبت به بزه‌دیده بودن فقط وضعیت خود را در نظر نمی‌گیرد. برای مثال اگر پدرش او را به خاطر آبرو از پاسخ‌دهی منع کرده باشد او حیثیت خانواده‌اش را نیز مورد مذاقه قرار می‌دهد، یا اگر برای مثال بزهکار یا مرتکب جرم مادر بزه‌دیده باشد، فرد ممکن است از بیان بزه‌دیدگی خود به خاطر رها شدن مادر خودداری نماید. بنابراین روحیه حمایت از خانواده (ما) می‌تواند بزه‌دیده را از بیان حقیقت بازدارد. راه حل پیشین در این مورد هم پاسخگو خواهد بود. همچنین پرسشگر باید توجه شود که در جایگاه کشف جرم یا حمایت از بزه‌دیده قرار ندارد و نباید نقش یک نجات‌دهنده^۱ را بازی کند.

با توجه به اصلی‌ترین تفاوت میان فرهنگ شرق و غرب در روش تحقیق که همانا رک‌گویی و نه‌راسیدن از ابراز خود در غربیان و در لفافه سخن گفتن و خودسانسوری^۲ در شرقی‌هاست، تاثیر فرهنگ‌های موجود بر پژوهش‌های مبتنی بر پرسش‌نامه از جمله **crime victim survey** غیر قابل انکار است. اغلب در پرسش‌نامه‌ها از افراد خواسته می‌شود که صریح و مستقیم به سوالات پاسخ دهند. این در حالی است که فرهنگ ارتباطی مردم در ایران غیرمستقیم است (Pishqadam, 2014). تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد استفاده از پرسش‌نامه در ایران در برخی موارد روش مناسبی برای بیان احساسات و نظر واقعی افراد نیست. خصوصاً در حالتی که پرسش‌نامه‌ها مستقیماً از منابع غربی ترجمه و کپی‌برداری شده باشند.

اگر بپذیریم که مردم ایران فرهنگی مبتنی بر ابراز غیرمستقیم دارند بنابراین سوالات مستقیم احتمالاً پاسخ‌های شفاف کمتری را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این در فرهنگی که خودافشایی در آن پسندیده نیست؛ سوالاتی که درخواست بیان احساسات شخصی افراد (برای مثال احساس ناشی از بزه‌دیدگی) را مطرح می‌کند معمولاً با پاسخ‌های روشنی همراه نخواهد بود.

¹ Survivor

² Self-censorship

بنابراین صحت اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه در تحقیقات علوم انسانی در ایران با ابهام مواجه است. در ادامه به ارائه راهکارهای کاربردی برای بومی‌سازی صحیح این پیمایش در ایران می‌پردازیم.

۱. نکته اول در جهت مایل ساختن افراد به پاسخگویی صحیح به پرسش‌نامه درگیر شدن پرسشگر می‌باشد. بدین معنی که پرسشگر سعی می‌کند پرسش‌شونده را با خود همسو کند و نتیجه مفید انجام این پژوهش و خدمتی که فرد با پاسخگویی صحیح به پرسش‌نامه به عرصه علم می‌کند را توضیح دهد. این هم‌سویی می‌تواند در تشویق فرد برای پاسخگویی صحیح و صریح موثر باشد. با این حال پرسشگر باید دقت کند که این برقراری ارتباط به حریم خصوصی فرد صدمه وارد نکند.

۲. برای فرهنگی که صریح‌گویی را ناپسند می‌داند استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات بی‌پرده هر چند در یک پرسش‌نامه با هدف کار علمی خوشایند نمی‌باشد. بنابراین همانطور که پیشتر بیان شد، استفاده از اصطلاحات جایگزین که منظور سوالات را کمی در لفافه بیان کند مناسب خواهد بود. برای مثال به جای استفاده از اصطلاح زنا، لواط و... می‌توان از اصطلاح "اعمال منافی عفت" استفاده کرد. درست است که این اصطلاح تمام تعابیر مورد نظر محقق را در بر نمی‌گیرد، اما در این زمینه حضور پرسشگر برای توضیح مفهوم سوال می‌تواند مفید باشد.

۳. حفظ حریم خصوصی افراد، احترام به حق محرمانگی و عدم اصرار برای پرسش‌نامه نیز پژوهشگر را در رسیدن به داده‌های صحیح علمی یاری می‌کند، زیرا وارد شدن به حریم خصوصی اشخاص و یا اصرار به پرسش‌نامه بدون تمایل شخصی فرد احتمال عدم پاسخگویی صحیح به پرسش‌نامه را به وجود می‌آورد. برای مثال در فرم استاندارد پیمایش از بزه‌دیده در آمریکا از اصطلاح "به شدت محرمانه" استفاده شده و حق محرمانگی پاسخ‌دهندگان به رسمیت شناخته شده است.

۴. باید توجه شود که پرسش‌نامه‌ها همزمان و در یک اتاق بین افراد یک خانواده و یا جمعی از همکاران پخش نشود. زیرا پاسخگویی در کنار آشنایان ممکن است افراد را از بازگو کردن حقیقت بازدارد.

۵. همانطور که پیشتر بیان شد استفاده از آرم قوای انتظامی، نظامی یا اطلاعاتی بر روی بسته‌های پستی یا فرم‌ها حتی اگر این سازمان‌ها متولی امر پژوهش باشند نیز ممکن است همسو با روحیه مبتنی بر عدم ابراز افراد نباشد. بنابراین طراحی آرم خاص برای پژوهش و معرفی لگو و هدف تحقیق در رسانه‌ها می‌تواند افراد را در به سوی پاسخ صحیح به سوالات پرسش‌نامه سوق دهد.

۶. در برخی شرایط ممکن است کسب اجازه یک شخص خاص برای دیگر اعضای خانواده که مورد مصاحبه قرار داده می‌شوند؛ یا شخص دیگری که در طی مصاحبه باید حضور داشته باشد؛ لازم باشد.

۷. سوالات باید متناسب با شرایط منطقه طراحی و پرسیده شود. به عنوان مثال، گنجاندن سوالی در مورد سرقت دام و احشام ممکن است در بافت روستایی در حال توسعه بسیار مهم باشد، اما این سوال در مناطق صنعتی شهری ممکن است بی ربط و یا حتی مضحک به نظر آید. سرقت یک دوچرخه ممکن است در بسیاری از موارد ضرری قابل اغماض به نظر برسد، اما در برخی موارد جوامع، دوچرخه ممکن است یک ابزار کار ضروری باشد، بنابراین از دست دادن آن ممکن است عواقب جدی برای بزه‌دیده از لحاظ پولی و عملیاتی به دنبال داشته باشد.

۸. تاثیر روش مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات در کشورها و فرهنگ‌های مختلف متفاوت و گاه متضاد است. برخی مطالعات نشان داده‌اند که پاسخ به پیمایش بزه‌دیده‌محور در مصاحبه‌های تلفنی شبیه به مصاحبه‌های حضوری است (United Nations, 2010).

از سوی دیگر، آزمایش نمونه‌های جداگانه در یک پیمایش ملی بزه‌دیده‌محور جرائم در ایالات متحده امریکا نشان می‌دهد که نرخ بزه‌دیدگی در مصاحبه تلفنی به کمک کامپیوتر^۱ بیشتر از مصاحبه تلفنی و حضوری بوده است. یک مطالعه در آلمان نشان داد که مصاحبه حضوری؛ حوادث کمتر ثبت‌شده‌ای را نسبت به بررسی‌های مکاتبه‌ای (پستی) نشان داده است. گزارش‌ها حتی گاهی نتایج غیرقابل پیش‌بینی را نشان می‌دهند. برای مثال هنگامی که در پیمایش بزه‌دیده‌محور بین‌المللی در اسپانیا و ایرلند شمالی در سال ۲۰۰۵ تغییر روش مصاحبه از حضوری به CATI انجام شد، نتایج حاکی از کاهش قابل توجهی در میزان بزه‌دیدگی در اسپانیا و به همان اندازه افزایش قابل توجهی در ایرلند شمالی بوده است. دانستن و محاسبه این مطلب که چگونه و تا چه حد روش مصاحبه جدید موجب این تغییرات می‌شود کمی مشکل است. اثرات تفاوت روش در اجرای پیمایش در جرائم حساس مانند جرم خشونت خانگی و تجاوز جنسی احتمالاً بیشتر است، بعنوان مثال در مناطقی که پیمایش بزه‌دیده‌محور برخلاف مصاحبه حضوری با روش "خود تکمیلی"^۲ انجام شده، با توجه به عدم تمایل به اشتراک‌گذاری اطلاعات شخصی با مصاحبه‌کننده (در مصاحبه حضوری)، نرخ بالایی از بزه‌دیدگی ناشی از جرم تجاوز به عنف گزارش شده است.

۹. جمله‌بندی سوالات ممکن است به کمی اقتباس برای تناسب با بافت محلی نیاز داشته باشد. این سازگاری به احتمال زیاد مربوط به سوالاتی می‌شود که در جستجوی جزئیات بیشتر از جرم اصلی طرح می‌شوند، تا اینکه مربوط به پرسش‌های اساسی غربالگری باشد. واژه‌هایی که برای توصیف مرتکب جرم استفاده می‌شود، مانند همسر/ شریک، دوست صمیمی، دوست‌پسر/ دوست‌دختر، فامیل، اعضای خانواده، ممکن است حاوی تفاوت‌هایی بسته به شکل پذیرفته شده شایع آن در یک بافت فرهنگی خاص باشد.

۱۰. در جایی که پرسشنامه نیاز به ترجمه دارد، این کار باید مخصوصاً با دقت کامل انجام شود تا معنی اصطلاحات در زبان محلی حفظ شوند. بویژه باید احتیاط خاصی در ترجمه اصطلاحاتی که بطور مشترک در بسترهای مختلف فرهنگی استفاده می‌شود معطوف گردد. باید مترجمان واجد شرایط و حرفه‌ای انتخاب شوند تا اطمینان حاصل شود که ترجمه تا حد امکان دقیق صورت گرفته است. ترجمه مستقل از زبان اصلی نیز باید جهت اطمینان از غیرمبهم بودن معنای مفاهیم در نظر گرفته شود تا معنای سوالات پرسشنامه دست نخورده باقی بماند (United Nations, 2010).

۱۱. شرایط فرهنگی و اجتماعی ممکن است استفاده از مصاحبه حضوری را محدود کنند. برای مثال، در جوامع کوچک، مصاحبه‌کنندگان ممکن است پاسخ‌دهندگان را بشناسند. شرایطی که احتمالاً می‌تواند مشارکت پاسخ‌دهندگان یا آمادگی ارائه اطلاعاتی در مورد تجاربشان را کاهش دهد.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت بومی شدن تحقیقات آمار جنایی و رسیدن به ارقام صحیح برای تعیین سیاست جنایی متناسب در کشور، فرهنگ‌محور بودن تحقیقات آمار جنایی باید مورد ملاحظه قرار گیرد. سوالی که پیش می‌آید این است که بومی‌سازی روش جمع‌آوری داده‌ها به معنی به کار بردن روش‌های دیگر است و یا می‌توان با تغییر نسبی روش‌های موجود براساس علم نوین روش تحقیق در دنیا متناسب با فرهنگ موجود به نتایج دلخواه رسید؟ به نظر می‌رسد دگرگونی روش‌های دستیابی به داده‌های علمی موجود نیازمند صرف هزینه و زمان بیشتری نسبت به تغییرات فرهنگ‌محور در روش‌های موجود می‌باشد. چه بسا با بومی‌سازی پرسش‌نامه‌های پیمایش از بزه‌دیده و اجرایی کردن این پژوهش در

¹ CATI (Computer-assisted telephone interviewing)

² self-completion

تحقیقات ارزیابی‌ای که پس از انجام پژوهش به دست می‌آید بتوان به مرور به متد جدیدی در این خصوص دست یافت و کاستی‌های موجود را برطرف ساخت. آسیب‌شناسی پرسش‌نامه‌ها و عملکرد پرسشگران و نحوه بازنمایی رسانه‌ای این پژوهش‌ها در گرو اجرای آزمایشی آن است.

بنابر بررسی‌های انجام شده حفظ حریم خصوصی، احترام به اعتقادات مذهبی، توجه به متفاوت بودن رسوم و سنت‌ها در مناطق مختلف، مورد توجه قرار دادن مایی بودن افراد و اینکه آن‌ها به شرایط اطرافیان خود اهمیت زیادی می‌دهند. توجه به روحیه خودسانسوری و لفافه‌گویی موجود، خودداری از به کارگیری واژگان مخالف با شئون جامعه هر چند علمی باشد؛ برای پیشبرد کار مورد پیشنهاد قرار گرفت. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن بافت فرهنگی اجرای پیمایش از بزه‌دیده تصویر مناسبی از سیمای جنایی کشور به دست خواهد داد. کشورهای توسعه یافته سال‌هاست که تعیین سیاست‌های کیفری خود را براساس این پیمایش‌ها صورت می‌دهند. این پیمایش می‌تواند در پیشگیری از جرائم، تعیین نوع مجازات‌ها و چگونگی نگرش مردم به دستگاه قضایی به دست‌اندرکاران عدالت قضایی کمک نماید.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The prevalence of underreported crimes, often referred to as the dark figure of crime, poses significant challenges for policymakers and criminal justice systems worldwide. Victimization surveys have emerged as essential tools for uncovering these hidden crimes, providing a more accurate depiction of crime rates compared to official police and judicial statistics. Despite their effectiveness, such surveys remain underutilized in Iran, where criminal justice policies rely heavily on official data, often plagued by inaccuracies due to underreporting, fear of retaliation, and socio-cultural factors. This study addresses the urgent need to localize victimization surveys in Iran to ensure their compatibility with the country's unique cultural, religious, and social contexts.

Victimization surveys, as globally recognized research instruments, aim to bridge the gap between reported crimes and actual incidents of victimization. Their theoretical foundation lies in criminology and victimology, emphasizing the role of social and cultural factors in influencing reporting behaviors. In Western countries, victimization surveys are designed to capture straightforward responses; however, the cultural nuances of Eastern societies, including Iran, necessitate adaptations. The study highlights that the Iranian culture of indirect communication, collectivism, and religious sensitivities shapes individuals' willingness to disclose personal experiences of victimization (United Nations, 2010).

The research reveals several critical insights:

1. **Cultural Barriers:** Direct questioning, common in Western surveys, often fails in Iran due to the culturally ingrained preference for indirect communication. For example, using terms like "sexual harassment" might deter participation, whereas culturally adapted phrases such as "improper behavior" yield higher response rates (Pishqadam, 2014).

2. Religious Sensitivities: Questions perceived as intrusive or misaligned with religious norms hinder participants' willingness to respond truthfully. Adapting the language to align with Islamic values while maintaining the survey's scientific integrity is essential.
3. Trust Deficit: A significant proportion of respondents expressed skepticism about the confidentiality of surveys, fearing potential misuse of their data by authorities. This distrust necessitates clear communication of the survey's objectives and guarantees of anonymity.
4. Gender Dynamics: In sensitive topics such as domestic violence or sexual crimes, participants are more likely to respond truthfully when the interviewer is of the same gender. Female interviewers were particularly effective in engaging women on sensitive issues.

Localization of victimization surveys involves more than translating questionnaires—it requires tailoring the entire survey process to the socio-cultural fabric of the society. For instance, the use of digital platforms for surveys, as popularized in the West, is less viable in Iran due to unequal access to technology and concerns about data security. Face-to-face interviews, albeit resource-intensive, offer a more culturally appropriate alternative if conducted with sensitivity and discretion.

Furthermore, the collectivist orientation of Iranian society underscores the need to account for family and community dynamics in survey responses. Respondents often weigh their answers against potential implications for their families, which can lead to underreporting. Addressing this requires incorporating culturally nuanced training for interviewers, ensuring they approach respondents with empathy and respect.

The study advocates for the following measures to enhance the effectiveness of victimization surveys in Iran:

1. Cultural Training for Surveyors: Training programs should focus on equipping interviewers with skills to navigate cultural sensitivities and foster trust with respondents.
2. Context-Sensitive Questionnaires: Questionnaires must avoid legalistic or confrontational language, opting instead for terminology that resonates with the lived experiences of respondents.
3. Anonymity Assurance: Survey designs should prioritize anonymity and include mechanisms to reassure participants about the confidentiality of their responses.
4. Pilot Testing: Pilot surveys in diverse regions of Iran can help refine the methodology and identify region-specific challenges.
5. Community Engagement: Involving local leaders and organizations in promoting the survey can enhance participation rates and reduce skepticism.
6. Conclusion

This study underscores the critical role of localized victimization surveys in addressing the dark figure of crime in Iran. By adapting international methodologies to align with Iran's cultural and religious context, policymakers can gain a more accurate understanding of crime rates and develop targeted interventions. This approach not only enhances the reliability of crime statistics but also strengthens public trust in the criminal justice system.

Through a culturally informed strategy, victimization surveys have the potential to transform crime prevention efforts in Iran, aligning them with global best practices while respecting local norms and values.

References

- AU-MIDIS. (2009). Data in Focus Report: Muslims.
Durant, M., Thomas, M., & Willcock, H. (1972). *Crime, Criminals and the Law*.

- Hosseini, M., & Mostafapour, M. (2017). The Dark Figure of Crime: A Challenge for Official Crime Statistics (A Comparative Approach to the U.S. and Iran). *Journal of Comparative Law Studies*, 8(1).
- Javan Jafari, A. (2012). *Scientific Guidelines for Crime Prevention*. Center for Social Studies and Criminology, Mizan Publications.
- Killias, M. (2010). International Crime Victimization Survey. In B. S. Fisher & S. P. Lab (Eds.), *Encyclopedia of Victimology and Crime Prevention*. Sage Publications.
- Kounani, S. (2020). Critical Evaluation of the Theory of Rehabilitation and Treatment Failure. *Quarterly Journal of Legal Excellence*(4).
- Mirma'soum-Nejad, S. M. (2016). Calculating the Dark Figure of Street Harassment Crimes Against Women in Mashhad Using Victimization Survey Methods. International Conference on Women and Urban Life, Tehran.
- Norenzayan, A., & Peng, K. (2007). Perception and Cognition. In *Handbook of Cultural Psychology*. Guilford Press.
- Piper, L., & Lucas, R. (1997). *How to Conduct Victimization Surveys: A Workbook*. U.S. Department of Housing and Urban Development, Office of Policy Development and Research.
- Pishqadam, R. (2014). Pathology of Data Collection Methods in Linguistic Studies: A Step Toward Localizing Research Methods in Iran. *Journal of Linguistic Studies*(2).
- Sparks, G., & Dodd. (1977). *Surveying Victims*. Wiley.
- United Nations. (2000). Questionnaire for the International Crime Victim Survey.
- United Nations. (2010). Manual on Victimization Surveys.
- Walklate, S. (2005). *Criminology*. Routledge Publications. https://doi.org/10.4324/9780203448212_chapter_1